

کتابخانه
مکتب



ویژو نامه دومین کنگره شعر وحدت اسلامی



ویژه‌نامه دومین کنگره شعر وحدت اسلامی

به کوشش: دبیرخانه دومین کنگره شعر وحدت اسلامی

صفحه آرایشی: علی ناصری

طرح جلد: سید محمد دانا

چاپ: زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

جامعه ایمانی مشعر

صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org





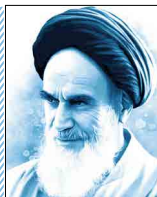
باعث خوش‌نامی اهل بیت شوید!

امام صادق علیه السلام فرمودند: با مردم [عامه و اهل تسنن] با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگزارید و میزبانان را عیادت کنید و در تشیع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید، این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید خواهند گفت: اینان جعفری‌اند، خدا او را رحمت کند چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفری‌اند، خداوند جزایش را بدهد چه اصحابش را بد تربیت کرده است.^۱

روش جذب امام حسن مجتبی علیه السلام

مردی از اهل شام که تحت تأثیر تبلیغات معاویه قرار گرفته بود، به مدینه آمد و با امام حسن مجتبی علیه السلام برخورد کرد و تا آن‌جا که توانست به آن حضرت ناسزا گفت. هنگامی که ساکت شد امام رو به او کرد و پس از سلام و تبسم فرمود: ای پیرمرد! گمان می‌کنم در شهر ما غریبی و در مورد ما به اشتباه افتاده‌ای. هر نیاز و حاجتی که در این جا داری ما برایت برآورده می‌کنیم، از خوراک و پوشاک گرفته تا جا و مکان و... تا در این شهر هستی مهمان ما باش». آن مرد وقتی چنین رفتار بزرگوارانه‌ای از امام مشاهده کرد، با شرمندگی گفت: گواهی می‌دهم که تو شایسته امامتی و خدا آگاه است که رسالتش را در کجا قرار دهد. تا این ساعت تو و پدرت نزد من از همه مبعوض‌تر بودید و اینک کسی از شما نزد من محبوب‌تر نیست.^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۳؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۲۰.
۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۴.



امام خمینی (قدس سره):

دست‌های ناپاکی که بین شیعه و سنی در این ممالک اختلاف می‌اندازند، این‌ها نه شیعه هستند و نه سنی، این‌ها ایادی استعمار هستند که می‌خواهند ممالک اسلامی را از آن‌ها بگیرند، ذخایر را از دست آن‌ها بگیرند.^۱ ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند.^۲ عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادر کشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.^۳

آن‌هایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند نه شیعه. اینها اصلاً به اسلام کار ندارند. و الا کسی که به اسلام اعتقاد داشته باشد، در زمانی که با وحدت همه مسلمین باید پیشروی کنیم و پیروز بشویم ان شاء الله، نمی‌آید دامن بزند به اختلاف و مسائل اختلافی را طرح کند. این‌ها نیست جز اینکه اشاره‌ای از خارج است و قدرت‌های بزرگ فهمیدند آن چیزی که آن‌ها را عقب زده است، اسلام است و وحدت مسلمین و برادری بین همه گروه‌های اسلامی. از این جهت، از اینجا شروع کردند که این‌ها را به هم بزنند.^۴

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۱۳.

۳. همان، ج ۹، ص ۳۱۲.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۲۸۱.



امام خامنه‌ای (حفظه الله):

تمسک به ولایت

جامعه شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما «الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية أمير المؤمنين» را رها نمی‌کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) - که نعمت بزرگ خداست - را محکم نگه می‌داریم؛ اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی‌کنیم. این وظیفه جامعۀ تشیع است. آنچه که دشمن می‌خواهد، این است که با هم اختلاف کنیم.^۱

ناطق من الشیطان نباشیم!

امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملت‌های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است... کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور می‌کنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - این‌ها به نفع شیاطین کار می‌کنند، به نفع ابلیس‌ها کار می‌کنند.^۲

عدم اهانت به مقدسات یکدیگر

هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدّسات هر یک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار افشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیر ۸۵/۱۰/۱۸
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۹۲/۳/۱۸
۳. پیام رهبر معظم انقلاب به منکره عظیم حج ۹۲/۷/۲۲

این دفاع از ولایت نیست

این جور نباشد که کسی از یک گوشه‌ای خیال کند دارد از شیعه دفاع می‌کند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست، این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، دفاع از آمریکاست، دفاع از صهیونیست‌هاست.^۱

از بین بردن بدبینی‌ها

حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعالند، خطر بزرگشان این نیست که بی‌گناهان را می‌کشند، آن هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می‌کنند. این خیلی خطر بزرگی است؛ جلوی این بدبینی را باید بگیریم. نه از آن طرف شیعیان خیال کنند که یک گروه آنچنانی که با شیعه این جور رفتار می‌کند این جبهه‌اهل تسنن است که با این‌ها مقابله می‌کند، نه جبهه‌اهل سنت تحت تأثیر حرف‌های آن‌ها - آنچه آن‌ها راجع به شیعه می‌گویند و تهمت‌هایی که می‌زنند و آتش‌افروزی‌هایی که می‌کنند - قرار بگیرند.^۲

دشمن را ناامید کنید

من اصرار دارم که در سراسر کشور، چه آن مناطقی که سنی و شیعه در کنار هم زندگی می‌کنند، چه آن مناطقی که فقط شیعه‌اند، یا آن مناطقی که فقط سنی هستند، همه جوری رفتار کنند که دشمن بفهمد در این کشور نمی‌تواند به بهانه‌ا اختلاف مذهب، میان مذاهب اسلامی اختلاف ایجاد کند؛ و الا اگر دشمن موفق شد، بدانید به این اکتفاء نمی‌کند. اگر خدای نکرده توانست بین شیعه و سنی جدایی بیندازد، بعد می‌رود سراغ سنی؛ اگر آن‌ها هم یکپارچه باشند، می‌رود بین آن‌ها هم اختلاف بیندازد.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مردم در روز عید غدیر ۸۷/۹/۲۷

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خیرگان رهبری ۹۲/۱۲/۱۵

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم پایه ۹۰/۷/۲۵



آیت الله بهجت (رحمه الله):

اختلاف شیعه و سنی، یک مسأله استعماری است. مسأله مهم دوستی اهل بیت علیهم السلام است که فریقین بر آن اتفاق دارند. مسلمین در حال حاضر، در این باره اختلاف و مشکلی ندارند. البته حساب وهابی‌ها و مبغضین به اهل بیت علیهم السلام جداست. وهابیون نه شیعه هستند و نه سنی! مذهب وهابیت یکی جریان سیاسی است که ربطی به شیعه و سنی ندارد.^۱ کسی که وحدت مسلمانان را نخواهد، مسلمان نیست. ائمه ما در نماز جماعت آنان شرکت می‌کردند، به جهت اتحاد مسلمانان.^۲



آیت الله وحید خراسانی (حفظه الله):

خدا می‌فرماید: «و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین» و این دین دین رحمت است و این پیغمبر، پیغمبر رحمت است. اگر ما به قرآن عمل می‌کردیم وضع مسلمین امروز اینچنین نبود.

۱. زمزم عرفان، ص ۲۹۲.
۲. همان، ص ۳۷۹.

خدا موسی را می‌فرستد و نه آیه به او می‌دهد، آن طرف کیست؟ فرعون. بیان چیست؟ «فقولا له قولاً لیئناً». این راه، راه این دین است. آن وقت ما با درشتی می‌خواهیم وارد شویم؟! این خلاف قرآن است. قرآن می‌گوید «و قولوا للناس حسناً» دینی که می‌فرماید: للناس حسناً آن وقت للمسلم سوء؟!

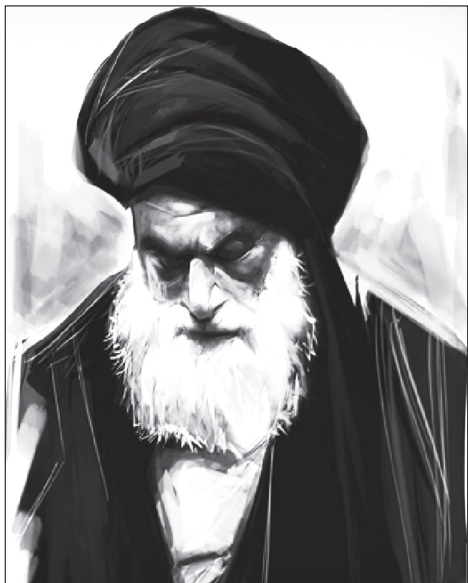
در روایت معتبره آمده است: «صلوا فی مساجدهم»، علاوه بر این، عیادت کنید مرضای آن‌ها را، تشییع کنید جنازه‌های آن‌ها را. در روایات است: «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا علینا شیناً». در این روایات دو مطلب آمده یکی نفی و دیگری اثبات. نفی این است که نباید با اتباع مذاهب دیگر دشمنی کرد، نباید به مقدسات آن‌ها توهین نمود، لعن و سب بزرگان آن‌ها جایز نیست، زیرا موجب دور کردن آن‌ها از اهل بیت علیهم‌السلام و معارف آن‌ها می‌شود. در روایت می‌فرماید: «لا تکونوا علینا شیناً» این جهت نفی قضیه است، اما جهت اثبات این است که فرمود: «کونوا لنا زیناً» و فرمودند در نمازهای جماعت آن‌ها شرکت کنید، به آن‌ها محبت کنید، از مرضای آن‌ها عیادت کنید، سخنان و معارف ما را برای آن‌ها بیان کنید. و عمده این است که برای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام راه را ما بلد نیستیم، راه عبارت است از راه اثباتی.^۱



آیت‌الله شبیری زنجانی (حفظه‌الله):

خاطره‌ای از میرزای بزرگ شیرازی

میرزا [شیرازی] مرد خیلی باهوش و چیز فهم عجیب و غریبی بود... در یکی از این ملاقات‌های عمومی که اشخاص می‌آمدند برای زیارت، می‌بینند که نظر میرزا به شخص معینی معطوف است. هر چند اشخاص جلو می‌آیند و بعد از دست‌بوسی میرزا می‌روند، باز هم توجه میرزا به همین شخص و همان نقطه است؛ تا اینکه بالأخره نوبت به آن شخص



مورد نظر می‌رسد و او می‌آید دست میرزا را می‌بوسد. میرزا از او سؤال می‌کند که مثلاً اهل کجایی؟ می‌گوید: اهل کربلا. می‌پرسد: برای چه اینجا آمده‌ای؟ من به شما حکم می‌کنم که همین حالا مراجعت کنید به کربلا، و شهریه و حقوقی هم که در اینجا به طلبه‌ها داده می‌شود، در کربلا به شما داده می‌شود، و همین حالا برگردید.

میرزا خادمش را صدا می‌زند و به او می‌گوید: قطار کسی حرکت می‌کند؟ می‌گوید: مثلاً نیم ساعت دیگر. می‌فرماید: این آقا را الان ببرید پای قطار و آنجا باشید تا ایشان مشرف بشوند کربلا و بعد مراجعه کنید.

نیم ساعت بعد، یک ساعت بعد میرزا مرتب می‌پرسد: خادم نیامد؟ و همین طور منتظر بوده و دقیقه شماری می‌کرده که خادم برگردد. بالاخره خادم برمی‌گردد. میرزا می‌گوید: «او را راه انداختی؟» می‌گوید: بله. می‌گوید: «خودت آنجا بودی موقع حرکت قطار» می‌گوید: بله. می‌گوید: «قطعی شد حرکتش؟» می‌گوید: بله. میرزا خیلی استنطاق می‌کند تا قطعی شود که آن شخص به کربلا برگشته است. بعداً بعضی از اصحاب ایشان می‌پرسند: چرا این شخص را با این اهتمام به کربلا برگرداندید؟ میرزا می‌فرماید: از خصوصیات قیافه این شخص فهمیدم که اگر او در اینجا بماند، کار دست ما می‌دهد و از آن لعن‌های کذابی می‌خواند و ما که زحمت کشیدیم و مشکل اختلاف بین شیعه و سنی را به زحمت حل کردیم، او با یک عملش ممکن است این زحمات را از بین ببرد، یک لعن در حرم بخواند و تمام این زحمات به هدر برود.

بعد که خود آن شخص را دیده بودند، گفته بود: خوش انصاف میرزا، نگذاشت اقلاً یک لعنی بخوانیم.^۱



استاد میرباقری :

رویگرد وحدت اسلامی بسیار خوب است. این جریان در نهایت، بستر را برای تبدیل شدن بدنهٔ دنیای تسنن به اسلام ناب سیاسی به قرائت امام(قدس سره) و اسلام حقیقی فراهم می کند.

برای تحقق وحدت اسلامی واقعی، باید «تجزیه» و «ترکیب» جدیدی در جهان اسلام به وجود بیاید... . در دنیای اهل تسنن باید تجزیه اتفاق بیفتد و قرائت سازشکار و قرائت خشن، از قرائت انقلابی جدا شود؛ اگر شما بتوانید قرائت سوم یعنی قرائت اسلام ناب انقلابی را در همه دنیای اسلام نفوذ دهید، ابتدا اسلام ناب سیاسی به قرائت امام(قدس سره) و سپس اسلام ناب عقیدتی و فکری شکل خواهد گرفت و موج جامعه اسلامی هم به همین سمت است. این اتفاق باید بیفتد و می افتد. این «تجزیه» و «ترکیب» باید انجام شود.

ما باید مواظب جنگ‌های فرقه‌ای مذهبی‌ای که دشمنان ایجاد می کنند، باشیم؛ ما به آن دامن نزنیم. برخوردتان با مسألهٔ جریان سقیفه برخورد علامه امینی(رحمه‌الله) باشد. برخورد ایشان برخوردی است که مناقشه‌بردار نیست. بعضی به ایشان اعتراض می کردند که وحدت اسلامی را به هم زده. خب، خیلی بزرگان از ایشان دفاع کردند. مقاله‌ای مرحوم شهید مطهری(رحمه‌الله) دارند «الغدیر و وحدت اسلامی». آن مقاله را ببینید. آنجا تأکید می کنند که این نوع بحث، مبدأ وحدت جامعه اسلامی است.

بالاخره یک مباحث جدی‌ای وجود دارد، این مباحث باید طرح بشود؛ طرح نشدنش آتش زیر خاکستر می شود. ولی به گونه‌ای طرح کنیم مثل علامه امینی، که حق، روشن و شفاف بشود. [یا وقتی] ایام فاطمیه است، عزاداری حضرت زهرا(ع) باشکوه برقرار بشود. این هیچ لطمه‌ای به وحدت نمی زند، اما ادبیات و نحوهٔ مواجهه ما باید مثل علامهٔ امینی باشد و از آن زاویه بحث کنیم.

ما کاری نکنیم که آتش جنگ‌های فرقه‌ای مذهبی‌ای را که دشمن دنبال می کند، شعله‌ور کنیم. عظمت کاری که هیأت

انجام می‌دهند - که واقعاً عظیم است - می‌طلبید که یک سرمایه‌گذاری بیشتری روی آن بشود. شما سروران و عزیزانی که اهل این وادی هستید، الحمدلله توانا هستید؛ خدا به شما عطا کرده. سعی کنید که این توانایی‌ها افزایش پیدا کند. در مقیاس این کار بزرگ، دائماً خودمان را بازسازی نکنیم، هیأت را بازسازی کنیم و سعی کنیم که هیأت همراه با دستگاه مرجعیت و به‌خصوص هدایت‌ها و نظارت‌های رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) باشند و به یک کانونی تبدیل شود برای تحقق گفتمان‌هایی که از جامعه، مطالبه می‌شود.^۱



استاد پناهمین:

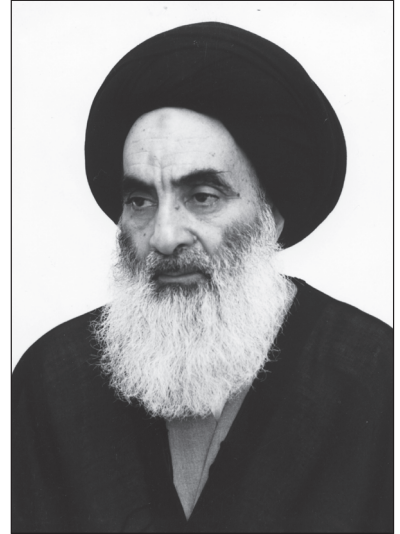
بنده می‌خواهم فراتر از شعار وحدت شیعه و سنی، شعار دیگری را به شما پیشنهاد بدهم و آن «هم‌دلی بین شیعه و سنی» است. چرا فقط وحدت؟ چرا فقط دنبال این باشیم که با هم اختلاف نداشته باشیم؟ چرا در همین سطح باقی بمانیم؟ ما باید آغوش‌مان را به روی اهل سنت باز کنیم.

امام حسن عسکری علیه السلام در یک سفارش بسیار راهبردی می‌فرماید: «جُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ؛ همهٔ دل‌ها را به سمت ما جذب کنید.»^۲ اگر مذهب و مرام شما بر حق است، ثمره‌اش این است که باید دل‌ها را جذب مرام خودتان کنید.

اینکه امام عسکری علیه السلام فرمود: همهٔ دل‌ها را به ما علاقه‌مند کنید، منظور جوانان شیعه نبوده، بلکه منظور همین جوانان اهل سنت بوده که با اهل بیت آشنا نشده‌اند؛ همین کسانی که علمای بزرگشان در آن زمان به اهل بیت اظهار علاقه و شاگردی می‌کردند و محبت اهل بیت را لازم و جزء دین می‌دانستند.

شما وقتی می‌توانی خودت را مدعی مهدویت بدانی که در بین رفقای، برخی از صمیمی‌ترین آن‌ها جوانانی از اهل سنت

۱. به نقل از کانال تلگرام «در محضر آیت‌الله میرباقری»: <https://telegram.me/ostadmiraqeri>
۲. تحف العقول، ۴۸۸



باشند. اینکه ما فقط با هم دعا نکنیم، کافی نیست؛ باید جلوتر برویم. هر یک از شما باید پاسخ دهد که در همین دوران جوانی، چند دل را جذب کرده است؟ می‌توانیم بر سر وجوه مشترکمان با اهل سنت، مراسم مشترک برگزار کنیم. مثلاً برخی از برادران اهل سنت، معتقدند که «مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده» خب به آن‌ها بگویید: همین که شما به مهدی علیه السلام علاقه دارید، خوب است. یعنی همین مقدار را غنیمت بشمارید و برای این اشتراکی که وجود دارد، مجلس مشترک بگیرید.

همین که برادران اهل سنت معتقدند که «غدیر، دعوت به محبت علی علیه السلام بوده، نه دعوت به وصایت ایشان» می‌توانیم با آن‌ها بر سر محبت علی علیه السلام جشن مشترک بگیریم. اعتقاد ما برای خودمان باقی است، اما وجه مشترک ما با آن‌ها درباره غدیر، در مسأله «محبت» است، لذا می‌توانیم جشن محبت بگیریم.

هفته وحدت فقط منحصر در ایام میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ مواقف متعددی برای این وحدت وجود دارد. در همین اربعین برخی از برادران اهل سنت را در این موکب‌ها دیدیم که به عشق امام حسین علیه السلام خدمت می‌کردند و می‌گفتند: حسین علیه السلام فرزند پیامبر ماست که به ظلم کشته شده و ما به ایشان ارادت داریم.

آیت‌الله سیستانی (حفظه الله)، مرجع عالی‌قدر تشیع در عراق درباره اهل سنت می‌فرماید: نگوید اهل سنت برادران ما هستند، بگویید آنها جان ما هستند؛ «انفسنا» یعنی آن‌ها عزیز دل ما هستند.

نه تنها وحدت و هم‌دلی بین مسلمین باید افزایش پیدا کند، بلکه ما داریم به سوی وحدت معنوی در جهان حرکت می‌کنیم. در ایام اربعین برخی از رهبران کلیسا را دیدیم که همراه با پیاده‌روی کنندگان برای زیارت حسین علیه السلام حرکت می‌کردند و حتی خودشان دسته راه انداخته بودند. واقعاً جهان دارد یک پارچه می‌شود و این‌ها از مقدمات ظهور است. حسین علیه السلام محور اتحاد اهالی معنویت در جهان است و مریدان حسین علیه السلام می‌توانند ایشان را به جهان مسیحیت با ادبیات خودشان معرفی کنند. مگر چقدر وجه اختلافی بین ما و مسیحیان وجود دارد؟ این کم‌کاری ما مریدان امام حسین علیه السلام است که بسیاری از مریدان مسیح که برای مصائب مسیح اشک می‌ریزند، با حسین ما آشنا نیستند.^۱

۱. سایت بیان معنوی: <http://bayanmanavi.ir/post/۲۴۷۴>



گفتگو با آقای حسن بیاتانی، دبیر دومین کنگره مجازی شعر وحدت اسلامی

در مورد ضرورت برگزاری کنگره شعر وحدت توضیحی بفرمایید.

برای پاسخ به این سوال هم باید درباره ضرورت شعر توضیح بدهم و هم در مورد ضرورت موضوع وحدت. شاید زیاد نیاز به توضیح نباشد که هنرمندان در حمایت، شکل‌گیری و تقویت جریان‌های اجتماعی چه نقش مؤثری می‌توانند داشته باشند و در بین هنرها، شعر از جهت تاثیرگذاری و از این جهت که می‌تواند محتوای هنرهای دیگر را تأمین کند و با تلفیق با هنرهای دیگر تأثیر مضاعفی را بیافریند نقش بی‌بدیلی دارد.

اگر تحولات دهه‌های اخیر و چند سال اخیر دنیا و به خصوص جهان اسلام را رصد کرده باشیم، متوجه خواهیم شد که هر چه جلوتر می‌آییم حوادث و تحولات، شتاب بیشتری می‌گیرند و ما هر روز با اتفاق و تحول تازه‌ای روبه‌رو هستیم. موضوعاتی مثل بیداری اسلامی و انقلاب‌های مردمی که در این سال‌ها در کشورهای اسلامی صورت گرفته یا در حال شکل‌گیری است. حوادثی از قبیل غزه و جنگ‌ها و آتش‌افروزی‌های اسرائیل. دخالت‌های نظامی امپریالیسم در منطقه ما، شکل‌گیری گروه‌های متنوع تکفیری و تکثیر روز به روز عمده‌های انگلیسی که هر دو در یک پروژه تعریف شده‌اند و وظیفه مشترکی دارند و همچنین مسائل جزئی‌تری از قبیل فاجعه منا، شیخ نمر، شیخ زکزاکی و ...

از طرفی شاعران انقلابی در قبال همه این مسائل وظیفه خطیری به دوش دارند و از طرفی سرعت و شتاب حوادث باعث شده که موضوعات جزئی‌تر هر روز تحت‌الشعاع موضوع جدیدتری قرار بگیرند.

ضرورت شکل‌گیری کنگره وحدت از این لحاظ است که موضوع وحدت، می‌تواند تمام موضوعات کلی و جزئی ذکر شده را تحت پوشش قرار دهد و از طرفی می‌تواند به تقویت جبهه مقاومت منجر شود و از طرفی اصلی‌ترین حربه تمام پروژه‌های اخیر جبهه استکبار را که تفرقه‌افکنی میان صفوف مسلمانان است، خنثی کند. در واقع انتخاب موضوع وحدت به جهت این است که در شرایط غبارآلود و فتنه، دشمن اصلی گم نشود.

نحوه شکل‌گیری اولین کنگره شعر وحدت را بفرمایید.

طرح اولیه شکل‌گیری کنگره شعر وحدت، توسط شاعر و فاضل ارجمند حجت‌الاسلام جواد محمدزمانی مطرح شد و با پیگیری ایشان طرح به مرحله اجرا رسید. این طرح به خوبی، کنگره‌های مشابه و پراکنده‌ای را که پیش از این با موضوع وحدت برگزار شده بودند، آسیب‌شناسی کرده بود چرا که محصول خروجی این کنگره‌ها در نهایت شعر نبوی بود و موضوع وحدت آن‌گونه که باید در آن‌ها پررنگ نبود. از طرفی شیعیان انگلیسی پروژه هفته برائت را به طور قوی و هماهنگ کلید زده بودند و به ساخت محصولات متنوعی مشغول بودند و این در حالی بود که ما برای موضوع وحدت برنامه منسجم و تولیدمحوری نداشتیم. در این شرایط طرح کنگره شعر وحدت می‌توانست محتوای برنامه‌های متنوع هنری را تامین کند.

اتفاق مبارک دیگر این بود که این طرح توسط جامعه ایمانی مشعر اجرا شد. جامعه ایمانی مشعر به طور مستقیم با هیأت مذهبی کشور در ارتباط است و می‌دانیم که یکی از نقاطی که دشمن می‌تواند در مورد تحریک مذهبی و ایجاد تفرقه روی آن سرمایه‌گذاری کند هیأت مذهبی هستند.

به همین جهت در فراخوان کنگره فقط شعر کلاسیک مورد توجه قرار گرفت تا بیشترین استفاده را در هیأت داشته باشد. الحمدلله کتاب خوبی از تولیدات اولین کنگره در تیراژ بالا منتشر شد که به دست بسیاری از ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام رسید.

از آنجا که موضوع وحدت موضوع تازه‌ای بود و می‌توان گفت بعد از اقبال لاهوری به طور جدی مورد توجه شاعران قرار نگرفته بود اکثر آثار ارسالی به کنگره آثار تولیدی و غیرتکراری بودند و این برای کنگره موفقیت بزرگی محسوب می‌شود. اطلاعات آماری این کنگره از قبیل اینکه چه تعداد اثر و چه تعداد شاعر در این کنگره شرکت کردند همه در سایت کنگره‌های مجازی به نشانی poemcongress.ir موجود است.

اهداف برگزاری کنگره دوم را بفرمایید و این که چرا دوسالانه برگزار شد؟

دو سالانه بودن یک کنگره می‌تواند نشان دهنده این باشد که اولاً کنگره برای این موضوع برنامه مستمر و هدفمندی دارد و ثانیاً برای ماندگاری و کیفیت بالای اشعار اهمیت قائل است. موضوع وحدت موضوعی است که تاریخ انقضا ندارد و اگر شعر با کیفیتی در این حوزه تولید شود آن شعر نیز تاریخ انقضا نخواهد داشت، پس هزینه کردن سالانه برای این کار ضروری به نظر نمی‌رسد، ضمن اینکه لازم است در هر کنگره شعرای بیشتری را به تولید اشعار با کیفیت بالاتر ترغیب کرد.

اما اهداف کنگره همان اهداف کنگرهٔ نخست است، ضمن اینکه در این کنگره با تحولات جدیدی مواجه هستیم. دومین کنگره تحول کیفی اشعار را به طور جدی مورد توجه قرار داده است. به همین منظور راه‌هایی را برای ارتباط مستمر با شرکت‌کنندگان در نظر گرفته است که شاید در کنگره‌های دیگر چنین کاری سابقه نداشته باشد. دبیرخانهٔ علمی کنگره در نظر دارد در صورت تمایل شرکت‌کنندگان اشعار ارسالی را پیش از داوری نقد کند. دبیرخانه حاضر است تا با رفت و برگشت‌های مستمر شعر بین کارشناسان خود و شعرا در نهایت به تقویت محتوایی و کیفی اشعار کمک کند. چه بسا با تذکر چند نکتهٔ محتوایی و فنی یک شعر بتواند ارتقاء قابل توجهی پیدا کند. حتی دبیرخانه در نظر دارد اگر شعری ارتباط ضعیفی با موضوع فراخوان داشت یا به هر دلیلی قابل راهیابی به مرحلهٔ داوری نبود موضوع را در اولین فرصت به شاعر اثر اطلاع دهد تا او در فرصت باقیمانده بتواند به رفع نواقص کار خود بپردازد.

نمونه‌ای از بازخوردهای کنگره و آثار رسیده را بفرمایید.

مجازی بودن کنگره موجب شده بود که ارتباط بیشتری بین شرکت‌کنندگان و دبیرخانه برقرار باشد. این باعث می‌شد که در طول برگزاری کنگره، بتوانیم از نظرات و پیشنهادات سودمند شعرا استفاده کنیم. همچنین ایرادهای شکلی زیادی در برگزاری همهٔ کنگره‌ها هست که در نهایت بعد از اعلام داوری موجب اعتراض و نارضایتی شاعران است. شاید در بسیاری از کنگره‌ها این اعتراضات هیچ تریبونی نداشته باشند، اما ما پس از اعلام داوری اعتراضات را هم منتشر کردیم و تلاش داریم که بعضی از مشکلات کنگره‌ها به طور بنیادین حل شوند.

از شیرین‌ترین بازخوردهای این کنگره، شعرخوانی آقای رضا نیکوکار در محضر رهبر معظم انقلاب بود. آقای نیکوکار از برگزیدگان کنگره بودند و همان شعر برگزیده را در محضر رهبر انقلاب خواندند و با تحسین مکررشان مواجه شدند. از اتفاقات خوب دیگر، اشعاری بود که با انگیزهٔ این فراخوان تولید شدند اما به اختتامیه نرسیدند. با این حال جزء بهترین و متمایزترین آثار در این موضوع بودند، از جمله مثنوی پرفوت و زیبایی که جناب آقای سیدمحمدجواد شرافت سرودند و بسیار مورد توجه هیأت مذهبی قرار گرفت.

چطور می‌توان از آثار رسیده به کنگره استفاده حداکثری برد؟

استفادهٔ حداکثری از آثار، اولاً نیازمند وجود یک نقشهٔ راه جامع و کامل دربارهٔ وحدت اسلامی است که در آن هر صنف و نهادی وظیفهٔ مشخص خود را بداند و در نهایت برنامه‌ها و فعالیت‌ها بتوانند یک پازل را تکمیل کنند. ثانیاً نیازمند یک کار ستادی قوی و هماهنگ است تا بتواند قطعات این پازل را به یکدیگر متصل کند. الحمدلله در سال‌های اخیر هشیاری

و اقدامات مبارکی در این زمینه ایجاد شده است. به هر حال اشعار کنگره قابلیت تبدیل به محصولات متنوع هنری را دارد و غفلت ما از این ظرفیت‌ها به نوعی به هدر دادن سرمایه‌ای است که در دست داریم.

در پایان درباره اینکه چرا این کنگره به صورت مجازی برگزار می‌شود توضیح بفرمایید.

ایده کنگره‌های مجازی یک ایده جامع و چندمنظوره است. در این طرح تمام مراحل یک کنگره به صورت مجازی برگزار می‌شود. از محاسن این طرح، یکی هماهنگی آن با اقتصاد مقاومتی است. یعنی حدود ۸۰ درصد هزینه‌های یک کنگره هزینه‌های مربوط به تشریفات و نیروهای متعدد اجرایی است که این هزینه در کنگره مجازی حذف می‌شود و از طرفی کنگره می‌تواند از محل این صرفه‌جویی به تقویت بعد علمی و افزایش جوایز بیندیشد. به عنوان مثال طرح نقد پیش از داوری که کار پر حجم و پر هزینه‌ای برای دبیرخانه محسوب می‌شود از برکات این صرفه‌جویی است. ایجاد تحول در سیستم داوری و امکان حضور موثر همه اعضا در اختتامیه از مزایای این طرح است. با این حال آنچه امروز به عنوان کنگره مجازی در حال برگزاری است با نقطه مطلوب بسیار فاصله دارد، چرا که این طرح نیازمند سرمایه‌گذاری مستقلی است و از عهده برگزارکنندگان یک کنگره خاص خارج است.

در پایان اگر نکته‌ای مدنظر دارید بفرمایید.

نکته پایانی مهمی که به نظر ضروری است، این است که کنگره نخست و این کنگره با اولویت قرار دادن هیأت مذهبی فراخوان خود را به شعر کلاسیک اختصاص داده است، اما موضوع وحدت یک موضوع بین‌المللی است و با توجه به قابلیت کم شعر کلاسیک در حوزه ترجمه و ظرفیت بالای شعر سپید در این خصوص، لازم است نهادهای دیگری در این حوزه سرمایه‌گذاری کنند. همچنین دیر یا زود کنگره شعر وحدت باید به یک کنگره بین‌المللی تبدیل شود تا بتواند از ظرفیت همه شعرای جهان اسلام استفاده کند.

گزارش برگزاری دومین کنگره مجازی شعر وحدت اسلامی و اعلام نتایج

دومین کنگره مجازی شعر وحدت اسلامی در سی‌ام شهریور ۱۳۹۵ همزمان با عید سعید غدیر، فراخوان خود را در بین شعرای متعهد فارسی زبان منتشر کرد. این کنگره با توجه به ظرفیت بالای هنر متعالی شعر در جهت‌دهی به جریان‌های اجتماعی و بشری و با انگیزه تقویت جبهه مقاومت در برابر جبهه استکبار و خنثی‌سازی سیاست‌های مزورانه و تفرقه‌افکنانه آنان و شفاف‌سازی شرایط غبارآلود فتنه، آغاز به کار کرد. اهداف و محورهای کنگره را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

اهداف:

گسترش اندیشه قرآنی وحدت اسلامی با بهره‌گیری از ابزار کارآمد هنر و ادبیات؛
جامه عمل پوشاندن به منویات امام امت و رهبر معظم انقلاب و علمای اعلام در عرصه وحدت اسلامی؛
زمینه‌سازی برای رشد و تعامل شاعران جوان جهان اسلام و تولید آثار فاخر در مقوله برادری دینی؛
جذب استعدادهای پنهان در عرصه ادبیات دینی.

موضوعات و محورها:

وحدت اسلامی و قرآن کریم؛
وحدت اسلامی و اندیشه‌های والای امام راحل و مقام معظم رهبری؛
وحدت اسلامی و اندیشه تقریب مذاهب اسلامی و بنیانگذاران آن؛
وحدت اسلامی و مبارزه با اندیشه‌های تکفیری و تفرقه‌افکن؛
وحدت اسلامی و وظایف مسلمانان در عرصه برادری دینی؛
وحدت اسلامی و پرهیز از سب و اهانت به مقدسات دیگر مذاهب؛
وحدت اسلامی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تفرقه.
در طول قریب به سه ماه مهلت فراخوان، حدود ۲۲۰ اثر به سامانه دریافت آثار، ارسال شد. دبیرخانه همزمان با دریافت آثار، کار غربال‌گری آن‌ها را نیز شروع کرد. اقدام دیگر دبیرخانه ارسال نقد مکتوب آثار برای شاعران در صورت تمایل ایشان بود، تا شعرا فرصت ویرایش و ارتقاء کیفی آثار خود را داشته باشند.
با فرا رسیدن شانزدهم آذر و پایان مهلت فراخوان، دریافت آثار متوقف شد اما شعرا تا ۲۴ ساعت برای ویرایش و اصلاح اثر مهلت داشتند.

داوری مرحله دوم در تاریخ ۱۸ آذر برگزار شد و در این جلسه که حدود ۸ ساعت به طول انجامید ۴۸ اثر از ۴۰ شاعر برای داوری نهایی انتخاب شدند. این ۴۸ اثر با معیار کیفی و محتوایی انتخاب شدند و دغدغه دبیرخانه در این مرحله این بود که آثاری که به دست داوران نهایی می‌رسد نسبت به آثار بازمانده قابلیت رقابت بیشتری داشته باشند. لازم به ذکر است از آنجا که اشعار به محض ثبت در سامانه، کدگذاری اتوماتیک می‌شدند، اسامی صاحبان اثر تا آخرین مرحله داوری در سامانه محفوظ بود و هنگام داوری، داوران فقط کد اثر را می‌دیدند.

در تاریخ ۱۹ آذر اشعار به دست داوران نهایی رسید و بنا شد تا تاریخ ۲۲ آذر نتیجه نهایی را اعلام کنند. شیوه دبیرخانه در این مرحله از داوری، بر خلاف رسم متداول برخی کنگره‌ها، انتخاب برگزیدگان صرفاً بر اساس بالاترین نمره میانگین نبود، بلکه داوران باید در جلسه دفاعیه، از داوری خود دفاع می‌کردند و دیدگاه‌های خود را به یکدیگر نزدیک می‌کردند. تیم داوری در جلسه دفاعیه ۲۲ آذر بعد از بحث چند ساعته درباره امتیازات، به این نتیجه رسید که فقط اشعاری که امتیاز بالاتر از ۸۰ دارند، برگزیده سطح اول باشند و اشعاری که بالاتر از ۷۰ امتیاز دارند به عنوان برگزیده سطح دوم معرفی شوند.

بر این اساس فقط یک اثر به عنوان برگزیده اول و ۷ اثر به عنوان برگزیده دوم انتخاب شدند. تصمیم دیگر تیم داوری این بود که بعضی نکات قابل اصلاح به برگزیدگان تذکر داده شود و فرصتی چند روزه برای ویرایش شعر در اختیار آنها قرار گیرد.

همچنین دبیرخانه برای اطمینان از این که سخت‌گیری علمی و فنی داوری، موجب نادیده گرفتن زحمات دوستان شاعر نشده باشد، در تاریخ ۲۸ آذر جلسه دیگری با تیم داوری متفاوت ترتیب داد و در این جلسه ۴ اثر دیگر به عنوان آثار قابل تقدیر، انتخاب شدند. به این ترتیب، دبیرخانه برگزیدگان دومین کنگره مجازی شعر وحدت اسلامی را در سه سطح معرفی کرد:

برگزیده سطح اول:

جناب آقای سیدمحمدجواد شرافت

برگزیدگان سطح دوم:

جناب آقای قاسم صرافان

جناب آقای رضا خورشیدی‌فرد

جناب آقای محمدجواد الهی پور
جناب آقای سیدمحمدجواد میرصفی
جناب آقای عباس همتی
جناب آقای علیرضا سالکی
سرکار خانم فائزه زرافشان

آثار شایسته تقدیر:

جناب آقای علی دولتیان
جناب آقای علی مؤیدی
جناب آقای سیدعلی محمد نقیب
جناب آقای داوود کفعمی

معیارهای مد نظر در داوری به شرح ذیل است:

۱. سلامت در کاربرد عناصر شعر
 ۲. برجستگی و نوآوری یا خلاقیت (در زبان، فرم، کشف مضمون و زاویه نگاه و سوژه‌یابی)
 ۳. توجه به اصل روشن‌گری (جهان‌بینی عاطفی)
 ۴. انسجام در پیوند عناصر مهم شعر (زبان، موسیقی، خیال، احساس، فرم)
- با توجه به معیارهای فوق، بسیاری از اشعار با وجود ابیات درخشان از نظر شاعرانگی یا کشف مضمون، به دلیل عدم دستورمندی، نزدیک شدن به نظم و حاکم شدن منطق نثر بر شعر، وجود فضای چندگانه در شعر و عدم انسجام بین عناصر شعر، نتوانستند امتیاز لازم را به دست بیاورند.
- از طرفی هر یک از آثار برگزیده، تنها در بعضی معیارهای ذکر شده امتیاز بالا کسب کرده‌اند نه لزوماً در همه معیارها.



شیعه چشمان کیستید؟

(خطابی با برخی برادران که به نام تشیع...)

سلمان کیستید؟ مسلمان کیستید؟
با این نگاه شیعه چشمان کیستید؟

با این نگاه شعله‌ور از برق افتراق
با این نگاه خط‌زده بر خطبه وفاق

با این نگاه پر شده از خط فاصله
دور از ملاحظیات روایات واصله

با کیست این نگاه؟ پی چیست این نگاه؟
آئینه نگاه علی نیست این نگاه

چشم علی که محو افق‌های دور بود
از درد و داغ شعله‌ور اما صبور بود



سید محمد جواد شرافت



چشمی که خطبه خطبه نگاهی شگرف داشت
چشمی که با همیشه تاریخ حرف داشت

آن حرف‌ها چه ژرف، چه ژرفند خوانده‌اید؟
آن حرف‌ها شگفت و شگرفند خوانده‌اید؟

از درد بی‌امان چه بگویم؟ شنیده‌اید
از خار و استخوان چه بگویم؟ شنیده‌اید

مولا رسیده بود به سوزان‌ترین مصاف
اما نبرد دست به شمشیر اختلاف

تیغی که در مصاف به فریاد دین رسید
این بار در غلاف به فریاد دین رسید

چون لیلة‌المبیت علی از خودش گذشت
آتش به سینه داشت ولی از خودش گذشت

آتش به سینه داری اگر، شعله‌ور مباش
هیزم‌بیار سوختن خشک و تر مباش

دامن مزن به آتش این قیل و قال‌ها
از حق بگو، چنان‌که علی گفت سال‌ها

از حق بگو ولی نه به توهین و افترا
با منطق علی، نه به توهین و افترا

القصه سیره علوی این چنین نبود
تاریخ را بخوان اخوی! این چنین نبود

بادا که تا همیشه بمانیم با علی
سلمان شویم و مسلم این راه یا علی

پایان یکی است

خاکریز شیعه و سنی در این میدان یکی است
خیمه‌گاه تفرقه با خانه شیطان یکی است

لات و عزی با نقاب دین به میدان آمدند
بت شکن‌ها خوب می‌دانند: بت گردان یکی است

داعش و تکفیری و وهابی و القاعده
پشت این داستان پیدا، نیت پنهان یکی است

سال‌ها با اسم آزادی، کبوتر کشته‌اند
این جهان در ستم آزاد، با زندان یکی است

تن به ذلت هرگز! اما جان به جانان می‌دهیم
در تمام عصرها، رسم جوانمردان یکی است



قاسم صرافان



مرز، چیزی نیست! حتی از زمان هم رد شدند
از نگاه اهل ایمان، بدر و خان طومان یکی ست

چنگ باید زد به حبل‌الله و از آتش گذشت
عروة‌الوثقی یکی، پیمان یکی، فرقان یکی ست

هر حریمی حرمتی دارد بپرس از محرمان
حرمت آل نبی با حرمت قرآن یکی ست

باز «بسم الله مجراها و مرساها» بخوان
موج‌ها بسیار، اما نوح کشتی‌بان یکی ست

صالحان، میراث‌داران زمین خواهند شد
این حکایت، فصل‌ها دارد، ولی پایان یکی ست



رضا خورشیدی فرد

مسیر روشن

حقیقت مثل خورشید است در یک صبح بارانی
نمی ماند به پشت ابرهای تیره زندانی

حقیقت کشتی امنی ست در بین تلاطمها
که ما را می برد تا ساحل از دریای توفانی

حقیقت برکه آبی ست در گرمای تابستان
میان یک کویر تشنه خشک و بیابانی

حقیقت شوق پیغمبر به سلمان است تا آخر
نه سلمانی که دارد با خودش آیات شیطانی

اگر آیینه ای از شرح حال ما سخن گوید
بگوید آه! حیرانی! بگوید آه! حیرانی



بیا دل سوز هم باشیم نه پاسوز یکدیگر
«خدارا یک نفس بنشین گره وا کن ز پیشانی»

برادر! با جدل؛ با تفرقه؛ بازنده جنگیم
به قحطی می‌رسیم این‌گونه در اوج فراوانی

شنیدم از روایات صحاح و متن‌مُسندها
میان درس‌های خارج آیات ربانی

من از احوالتان غافل نبودم لحظه‌ای حتی
و از اقوالتان، هر چند می‌دانم که می‌دانی

برای اتحاد ما همان صبر علی کافی‌ست
که با صبر است اگر مانده‌ست نامی از مسلمانی

سپید از گریه شد چشمان پیغمبر، برادرها!
که پشت میله‌های ظلم، یوسف مانده زندانی

شب میلاد لبخند است، میلاد رسول‌الله
بیا امشب به مهمانی که پشت در نمی‌مانی

سرانجام مسیر سید قطب است همراهی
مسیر روشنی که نیست فرجامش پریشانی

به شوقت «یاء وحدت» هم کنار قافیه آمد
همین که هدیه آوردم گلی در دست گلدانی

الهی که بهار از کوچه‌های دور برگردد
که دنیا یخ زده در بین این عصر زمستانی

بهترین مکاشفه

جاده در پیش بود و بی‌وقفه
سوی تقدیر خویش می‌رفتیم
در صفوف پیادگان بهشت
موج در موج پیش می‌رفتیم

شعر کشف و شهودمان در راه
غرق تصویر و فکر و عاطفه بود
وصل، ابعاد تازه‌ای می‌یافت
اربعین، بهترین مکاشفه بود

تا مقام خلوص و یکرنگی
راه کم مانده بود و من مشتاق
پی هر گام جلوه‌گر می‌شد
کوچه‌باغی به ساحت اشراق

علیرضاسالکی



قصد کردم کمی درنگ کنم
موکب برگزیده‌ای دیدم
روی دیوارهای کاغذی‌اش
پرچم داغ‌دیده‌ای دیدم

بغض کردم کمی جلو رفتم
میزبان آمد و تبسم کرد
بی تکلف درست مثل خودم
عربی فارسی تکلم کرد

گفتم: اشلونک، ایها الساقی؟
-حرف‌ها داشت در دل تنگش -
گفت: شکر! مرا هوایی کرد
استکان‌های چای پررنگش

گوشه‌ای دنج چای نوشیدم
غرق در بغض و حیرت و نجوا
به خودم آمدم... یکی می‌گفت:
«موکب اهل سنت است اینجا»

بغض آن قدر پافشاری کرد
که سرانجام گونه‌ام تر شد
لحن نجوای من عوض شده بود
حیرتم با جنون برابر شد

سر بی تن هنوز هم بر نی
داشت آیاتی آشنا می خواند
لبِ خورشیدِ ترمه کوب شده
اهل توحید را فرا می خواند



سیدمحمدجواد میرصفی

ندای وحدت

هم‌نوا بود با چکاچک من
غرّش آسمان و هوهوی باد
گوش دنیا شنیده است مگر؟
چون غریو صدای من فریاد

هستی من زبان سرخ من است
از حقیقت هم‌اره دم زده‌ام
بارها در میان معرکه‌ها
ختم بیداد را رقم زده‌ام

بارها در میان معرکه‌ها
لشکر کفر در کمینم بود
آن‌چه جان می‌ستاند از دشمن
برق چشمان تیزبینم بود



چشم بگشا که در دل تاریخ!
آن چه پیداست رد پای من است!
گوش خود تیزتر کن و بشنوا
اندکی بغض در صدای من است

گرچه آشفته بودم و بی تاب
گاه صبر آمد و غلاف شدم
گرچه جانم سراسر آتش بود
آب سردی بر اختلاف شدم

کنج دیوار خانه مولا
سر من بود اگر چه گرم قنوت
سالها در غلاف دم نزدم
وا نکردم دهان مگر به سکوت!

سالها در رکاب صاحب صبر!
خون دل خوردم و گزیدم لب!
من نبودم اگر میان نیام
که نمی ماند نامی از مکتب!

تیغ بودم ولی رسالت من!
نه بریدن، که وصل کردن بود
دین حق را برادری کردن
مثل دینی به روی گردن بود

اینک اما؟ چرا؟ نمی دانم؟
عده‌ای بی‌قراتر از من
آتش معرکه شدند و شده‌ست
تیغشان ذوالفقارتر از من!

در هیاهوی فتنه‌ها باید
اقتدا کرد یک‌صدا به امام
فتنه را سربریدن آسان نیست
که خواصند چشم و گوش عوام

بهتر از من مگر گواهی هست
من که دیدم امام امت را
در هیاهوی فتنه نشنیدم
از لبش جز ندای وحدت را...

روضه خواندم ...

رمز شب؟

_ قبله!

یا علی اخوی

قبل از این بوده ایم ما با هم؟

_ قبل از این که نه!

منتها امشب میهمان همیم... فردا هم

دم افطار آمدی خیر است

شکر،

تنها نماندم امشب را

سفره را پهن کن

همان گوشه ست

نان هم این جاست... آب و خرما هم



محمدجواد الهی پور



به نماز ایستادم و آرام
پشت من در سکوت قامت بست
گرچه او دست بسته، من با مهر...
گرچه راهش جداست از راهم

از کجایی؟

- حلب، همین اطراف...
خانهام دست داعش افتاده
همسر و دخترم محاصره‌اند
گفتم: از حس و حالت آگام

گفتم از کربلا و عاشورا
روضه غارت و هجوم و حرم
روضه خواندم...
نگاهش ابری شد
گریه کردیم مدتی با هم

از اباالفضل گفتم و غیرت
گفت: جانم فدای او
گفتم:
ما فدایی خواهرش هستیم
گفت در بین گریه‌ها:
ما هم

صبح رفت و ندیدمش دیگر
بعد یک هفته
غرق خون، بی سر
آمد و ...
خاطرات شیرینش
ماند در کام شعر کوتاهم



عباس همتی

خاطرات زنده

(برای میلاد اسماعیل محمد)

عکس‌ها را مرور می‌کردم
عکس‌هایی که شوق و حسرت داشت
خاطرات کلاس «پنجم آ»
یک نفس آه در دلم می‌کاشت

در نماز جماعت هر روز
صف آخر کنار هم بودیم
دست من باز، دست تو بسته
من و تو رازدار هم بودیم

اسوه ما «نبی اکرم» بود
پای هر خصلتش دقیق شدیم
هدیه ما سلام بود به هم
به همین سادگی رفیق شدیم



گرچه در بین شهر شیعه‌نشین
پیرو راه دیگری بودی
وقت برخاستن علی گفتی
سنی شیعه‌باوری بودی

عطر ماه عزا که می‌آمد
اشکمان پشت دسته‌ها می‌رفت
دل به دل راه داشت، با هر اشک
روحمان سوی کربلا می‌رفت

عکس‌ها را مرور می‌کردم
«جمکران و حرم، من و میلاد»
«من و میلاد، کوه خضر نبی»
خاطراتت نمی‌رود از یاد

یک به یک روزها ورق خوردند
عاقبت سر رسید روز فراق
رفتی آن‌جا که زادگاهت بود
در کجا ساکنی؟ کجای عراق؟

ما به هم دست دوستی دادیم
سالینای گذشته از آن روز
معنی مرزها جدایی نیست
ما که با هم برادریم هنوز

اندیشه دریا شدن

بردار از دوشم غم تنها شدن را
با من بخوان تصنیف هم‌آوا شدن را

وقتی که دست روشن هم را بگیریم
امروز دارد فرصت فردا شدن را

با واژه واژه از دعای وحدت انگار
در خویش رویاندم توفان‌زا شدن را

جنگل شمایید ای درختان تناور
در خود برویاندید حس «ما» شدن را

این رود آخر سیل خواهد شد که دارد
هر قطره‌اش اندیشه دریا شدن را



زخم‌های مشترک

ابریم و رود رود که می‌باریم
از چشمه چشمه، آینه سرشاریم

تندیس‌های سنگی تاریخیم
ما زخم‌های مشترکی داریم

این روزها که موسم دلتنگی ست
سر روی شانه‌های که بگذاریم؟

این روزها که داغ جوان دیدیم
این روزها که خسته پیکاریم

دشمن تبر به کشتن ما بسته ست
تنها به جرم این که سپیداریم

دستان شب ز ساحت ما دور است
ما پا به پای چشم تو بیداریم

غیر از برادر آنچه تو را گفتیم
اقرار می‌کنیم خطا کاریم

بن قرار هم

من مصرعی تو مصرع دیگر کنار هم
بیتی شدیم و با خبر از روزگار هم

همسایه‌وار مثل برادر، رفیق و دوست
عمری کبوترانه لب جوینار هم

پر می‌زدیم گاه به یک سرزمین دور
پر می‌زدیم گاه به شهر و دیار هم

گاه از حدیث و سنت و دین حرف می‌زدیم
گاهی در این مناظره از شهریار هم

هر شب به شوق دکلمه‌ای از مناره‌ها
در خشک‌سال عاطفه، چشم‌انتظار هم



علی دولتیان



شب‌ها گذشت، تا که شبی باخبر شدیم
دردا؛ مناره‌های جهان سوگوار هم

با ریسمان محکم قران پلی زدیم
از دامن فلق به دل داغدار هم

گلدسته‌های زخمی دنیا صدا زدند
پروانه‌های سوخته را در جوار هم

دل‌تنگ شعرهای خدا هم سفر شدیم
از بیت خود به خانهٔ پروردگار هم

در دفتر خدا بنویسیم مصرعی
باشد که یادمان نرود یادگار هم

وقتی که صبح، دست اخوت میان ماست
شب گریه می‌کنیم چرا بر مزار هم؟

شک نیست بیت‌ها غزلی ناب می‌شوند
وقتی که با همند؛ ولی بی‌قرار هم

ما برادرها ...

دوباره در سرم افتاده باورها به جان هم
و افتاده‌ست جوهرها و دفترها به جان هم

من و تو هر دو در یک آسمان در حال پروازیم
گره خورده‌ست جان ما کبوترها به جان هم

به رغم این همه نیرنگ ما سرباز یک راهیم
نمی‌افتیم هرگز بین سنگرها به جان هم

به زیر پرچمی واحد همه آیات قرآنیم
نمی‌افتیم با آشوب کافرها به جان هم

قسم خوردیم دست از یاری هم بر نمی‌داریم
قسم خوردیم آری ما برادرها به جان هم



سیدعلی محمدتقیب



در کنار هم

از چشمه‌ای واحد اگر نشأت بگیرد
کی می‌تواند نور را ظمت بگیرد؟

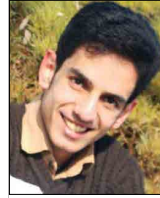
در اصل دریایی خروشان است و پُر شور
هر رود که سرچشمه از وحدت بگیرد

باید که هر رودی که با دریا یکی نیست
از مردن مرداب‌ها عبرت بگیرد

سیلی نیلی می‌شود بر گوش فرعون
جریان اسلامی اگر قدرت بگیرد

هم رنگ و بویی از گل عتروت بگیرد
هم ریشه‌هایی از دل سنت بگیرد

تا در کنار هم بر این کشتی سواریم
بگذار توفان در جهان شدت بگیرد



داوود کفعمی



تسبیح جنگل

ما مسلمانییم در دنیای ما
می توان نادیدنی‌ها را چشید
می توان آوازه‌ها را لمس کرد
می توان بوییدنی‌ها را شنید

سجده بر خاک است در آیین ما
ابر اگر سر می‌نهد بر کوهسار
رود را تسبیح جنگل دیده‌ایم
سجده‌های چشمه را در آبشار

لاله می‌گیرد به سوی آسمان
صبح با دستش سیوی خویش را
قبل گل دادن به دست باغبان
خاک می‌گیرد وضوی خویش را



علی مؤیدی



ما مسلمانیم سرمستیم ما
در بهار سبز و در پاییز زرد
عشق اگر باشد چه فرقی می‌کند
جام را می‌پر کند یا آب سرد

ما درختان را برادر یافتیم
در شکوه جنگلی انبوه و شاد
ای برادر باخبر باش ای بسا
جنگلی را شعله‌ای بر باد داد

حجت الاسلام جواد محمدزمانی (دبیر علمی نخستین کنگره مجازی شعر وحدت اسلامی):
خاطرم هست یک بار خدمت حضرت آقا عرض کردم می خواهیم
کنگره مجازی شعر تحت عنوان «وحدت اسلامی» برگزار کنیم.

ایشان خیلی خوشحال شدند و فرمودند:

«بنده به اندازه یک کتاب درباره وحدت اسلامی صحبت کرده‌ام.»
یعنی این موضوع این قدر مهم است که رهبر جامعه تا این اندازه
درباره آن تأکید داشته است.

ما نباید بگذاریم افکار انحرافی در هیأت‌های ما راه پیدا کنند. تشیع
انگلیسی می‌خواهد در هیأت‌های ما نفوذ کند و سنت‌های رایج و
مسلم فرهنگ عاشورایی ما را منحرف کند. آن‌ها به دنبال این هستند
که هیأت‌های ما ختنی و بی‌فایده شوند.



۰۲۵ ۳۴۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org